

شهرآرا

روزنامه شهر امید و زندگی

شنبه ۴ شنبه ۱۹ ۰۲ ۱۳۹۸
۱۴۴۱ هجری قمری | ۳ صفر ۱۴۴۱
شماره ۲۹۳۷ | ۷۰۰ تومان

۱۰ صفحه ویژه شهرآرامحله+۱۶ صفحه ویژه کوله پشتی
۰۷ صفحه ویژه +۴ صفحه ورزشی
۹۸

یادداشت

انتخابات پیش رو؛ اصلاح طلبان و اصول گرایان



محمدرحم
نوروزیان
کارشناس مسائل
سیاسی و اجتماعی

همه می دانیم که زمستان بسیار حساس و مهمی در پیش است. قرار است مهم ترین و بالاترین نهاد تصمیم سازی و تصمیم گیری در کشور، یعنی مجلس شورای اسلامی، برای یازدهمین دوره و در یکی از حساس ترین برهه ها ترکیب جدید خود را بنماید. در شرایط صف آرای و تقابل آمریکا و هم پیمانانش با ما و ظلم بزرگی که به نام تحریم ها علیه ملت ما می شود و در حالی که امید و اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی نیز شدیداً آسیب دیده، اینکه چگونه افرادی برای حضور در مجلس مناسب هستند، دغدغه های مهم و اساسی است؛ اما قبل از آن، موضوعی که باید دغدغه خاص نظام باشد، چارندیشی و تلاش برای مشارکت حداکثری و فعالانه مردم در انتخابات است. برخی خبرها و تحركات و اظهار نظر ها در ماه های اخیر از سوی بعضی نهادها و متولیان امور یا کنشگران سیاسی مؤثر در کشور نگران کننده است. بعضی اشخاص گویی که در بین مردم زندگی نمی کنند یا از آنچه در این کشور می گذرد بی اطلاع اند. هر نگاه و رویکردی که شرایط انحصاری و حذف رقیب را آرزو می کند، به خطا رفته و نه تنها خودش از جانب عموم مطرود و متروک خواهد شد، که در توسعه بی اعتمادی به نظام هم به سهم و شریک خواهد بود. اینک چند پرسش اساسی برای عطف توجه به این مهم مطرح می شود:

اول: مگر نه اینکه سال هاست آجریان عمده سیاسی با نام های اصول گرا و اصلاح طلب نقش آفرین عرصه سیاسی کشور بوده اند و در مقطعی مانند انتخابات با تلاش و زحمات عناصر سیاسی آجریان (البته با شرایط نابرابر و ریسک بالاتر) شور و شغف در مردم ایجاد کرده اند و رقابت و مشارکت حداکثری شکل می گیرد و صدامتبه ماحصل این رقابت ها، یعنی جمع آرای مشارکت کنندگان، به منزله رفراندومی در راستای مشروعیت و مقبولیت نظام جمهوری اسلامی تبلیغ می شود؟ آیا بر فرض حذف هریک از این آجریان، امکان چنان مشارکتی متصور است؟...

ادامه

پارکینگ های عمودی افقی شدند

روایتی از رویارویی مردم با مدیرعامل شرکت الیت
به دلیل تعطیلی پارکینگ مکانیزه امامت

۰۲

این بار شرکت الیت به میدان می آید

پارکینگ های عمودی
افقی شدند



در میزگرد شهرآرا با عنوان «طلای کثیف؛ از تفکیک تا سرمایه گذاری» مطرح شد

احیای سرمایه با تفکیک زباله

حاجیان شهری، رئیس کمیسیون خدمات شهری، بهداشت و سلامت و محیط زیست شورای شهر، علی آدینه نیا، معاون فنی و اجرایی سازمان مپ، مهدی نوروززاده، دبیر کارگروه پسماند اداره کل محیط زیست خراسان رضوی، مهدی نعمتی خیرآبادی، مدیر مشارکت های نوین معاونت اقتصادی شهرداری مشهد، فرشته تقی زاده، مدیرعامل سازمان مردم نهاد انجمن دیده بان آب، هوا، زمین، در این میزگرد است...

ادامه

و صدامتبه وجود کاستی در مدیریت پسماندها را یادآوری کند. در میزگرد «طلای کثیف؛ از تفکیک تا سرمایه گذاری»، به کارهای انجام شده در مدیریت پسماند مشهد و راه های نرفته پرداخته ایم. از موانع پیشرفت در زمینه تفکیک از مبدأ و نهادینه کردن فرهنگ آن در جامعه و دشواری های سرمایه گذاری در حوزه پسماند پرسیده ایم و پاسخ مدیران مربوط را شنیده ایم. گزارش پیش رو، مشروح صحبت های دکتر محمد

پسماند های جامد و مایع را شامل می شود، خود «مجملی» است گویای حدیث مفصل و با اهمیت زباله با همان پسماند. پسماندها در جوامع پیشرفته و صاحب فناوری، پس از تولید می توانند چرخه ای طولانی شامل جمع آوری، ذخیره سازی، جداسازی، حمل و نقل، بازیافت، پردازش و در نهایت دفع غیر تخصصی بودن استفاده دوباره و کاملاً زائد هستند. این مواد که حاصل فعالیت های مستقیم و غیر مستقیم انسان ها هستند، به نظر عموم فقط قابلیت معدوم شدن دارند. اما عبارت «طلای کثیف» که حجم وسیع

خار و خاشاک، خاکروبه،

چیزهای دورریختنی، آشغال و زباله، در نگاه خیلی ها تقریباً عبارتی مشابه است؛ عبارتی مشابه که از نگاه صف آرای و تقابل آمریکا و هم پیمانانش با ما و ظلم بزرگی که به نام تحریم ها علیه ملت ما می شود و در حالی که امید و اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی نیز شدیداً آسیب دیده، اینکه چگونه افرادی برای حضور در مجلس مناسب هستند، دغدغه های مهم و اساسی است؛ اما قبل از آن، موضوعی که باید دغدغه خاص نظام باشد، چارندیشی و تلاش برای مشارکت حداکثری و فعالانه مردم در انتخابات است. برخی خبرها و تحركات و اظهار نظر ها در ماه های اخیر از سوی بعضی نهادها و متولیان امور یا کنشگران سیاسی مؤثر در کشور نگران کننده است. بعضی اشخاص گویی که در بین مردم زندگی نمی کنند یا از آنچه در این کشور می گذرد بی اطلاع اند. هر نگاه و رویکردی که شرایط انحصاری و حذف رقیب را آرزو می کند، به خطا رفته و نه تنها خودش از جانب عموم مطرود و متروک خواهد شد، که در توسعه بی اعتمادی به نظام هم به سهم و شریک خواهد بود. اینک چند پرسش اساسی برای عطف توجه به این مهم مطرح می شود:

میزگرد



خیز خراسانی ها برای فجرسی و هشتم

اهالی سینما برای حضور در بزرگ ترین
ماراتن سینمایی کشور آماده می شوند

۰۵

پرونده توله ببرها فردا به دادستانی می رود

ارسال نتایج بررسی های مجدد کمیته حقیقت یاب

درباره مرگ ۷ توله ببر مشهدی به دستگاه قضا

۰۳

جلو خان پایانه امام رضا (ع) سامان می یابد

سامان دهی یکی از مهم ترین مبادی ورودی شهر با

مساحتی بیش از ۱۲ هکتار ظرف ۱۸ ماه تکمیل می شود

۰۳

۷۰۰ نزاع خونین

و مرگ بار در ۳۶۰ روز

به گفته فرماندهی انتظامی استان، تمایل استفاده از سلاح

گرم در نزاع های دسته جمعی ۴۲ درصد افزایش داشته است

۰۸

خشت اول خانه ادبیات

نخستین نشست هم اندیشی خانه ادبیات مشهد برگزار شد

۰۴

معجون مخصوص سایپا



ساخت یک خودرو
جدید از ترکیب
پراید و تیبا
خبرساز شد

۰۹

ادامه می دهیم که راستش دور ویرش هم آدم های مختلفی هست و با همه جور آدمی کنار می آید. موضع اعتقادی قاطع و شفاف و صریحی دارد، اما روابطش خیلی وسیع و متنوع است و بعضی رفقایش چندان مثل خودش نیستند. بعد می گویم: البته مشکل دیگری هم درباره بستگانش هست که فکر نمی کنم راه حلی داشته باشد! دوتا از عموهایش از سران ضد انقلاب هستند که پرونده سنگین دارند! می گوید: این موضوع را اصلاً نمی شود کاری کرد؛ چون جواب استعلام از همان اول معلوم است! می گویم: بله، می فهمم، شما حق دارید؛ چون محیط کارتان خیلی مذهبی است، چنین آدمی به درد شما نمی خورد! اما می دانی دانی تمام اوصافی که من گفتم، خصوصیات رسول خاصلی... علیه و آله بود؟ نگاه می کند دیگر چیزی نمی گوید!

هر دو سکوت می کنیم!

می گوید: برای سازمانمان یک مدیر روابط عمومی می خواهیم، کسی را سراغ نداریم؟ می گویم: جوانی بسیار توانمند و لایق هست که خیلی هم خوش اخلاق و خنده رو است و تحمل و صبر زیادی هم دارد و همه به صداقت و درست کاری می شناسندش و او را امین می دانند، اما نمی دانم برای فضای کاری شما مناسب باشد یا نه، چون موهای بلند است و آن ها را روغن می زند و خیلی به ظاهر و تیپش اهمیت می دهد و کلی هم برای عطر و ادکلن خرج می کند و به لباس مرتب و تمیزش می رسد! می گوید: می دانی که محیط سازمان ما خیلی مذهبی است و طبیعتاً این سروشکلی که تو تعریف می کنی با آن مجموعه خیلی سازگار نیست، ولی حالا شاید بتوانیم قانعش کنیم که موهایش را کوتاه کند! چون فضای عمومی پر و پیچیده های ما بیشتر جو رفقای هیبتی و حوزی الهی است و حال و هوایشان این طوری نیست.

اوبه درد شما نمی خورد!



حجت الاسلام
محمدرضا سیدی
کارشناس
مسائل فرهنگی

یادداشت

یادداشت

داستان «خین عرب»

فارسی زبان خین و خونی و خانی و خانیک و... همگی واژه های پهلوی (زبانی که مردم ایران قبل از حمله اعراب با آن زبان صحبت می کردند)، به معنی «چشمه» است؛ چنان که هنوز کردهای خراسان و ایران به چشمه «گانی» یا «گانی» و اهالی سنتی ماسوله گیلان هم چشمه ها شان را «خانی» یا «خونی» می گویند و می نویسند. اما دیدم مشکل تنها همین یک کلمه و نام نیست، بلکه مشهدی ها خیلی چیزهای دیگر از شهر خودشان را هم نمی دانند؛ مثلاً اینکه «میلان» و «فلکه» و «گل کاری» حتی «خیابان» و «قلعه خیابان» و... یعنی چه؟ و از کی در مشهد رایج شده اند؟ یا مثلاً آن نماد آهنی بسیار بلندی که در میدان جلو ساختمان راه آهن مشهد ساخته شده، نماد چیست و کی و به وسیله چه کسی ساخته شده است؟ ده ها سؤال دیگر از این نوع برای همین تصمیم گرفتم از این به بعد با عنوان «آنچه مشهدی ها باید بدانند» و نمی دانم! مطالبی بنویسم.

در صفحه اول روزنامه شهرآرا این تیتر درشت آمده بود که «تعمیر کاران خین عرب نگران روزهای سرد».

این عنوان و نام «خین عرب» توجهم را جلب کرد و با خود گفتم مردم مشهد قطعاً این نام را بارها شنیده اند؛ چرا که خین عرب نام آبادی خیلی قدیمی در کنار کشف رود بوده (به قدمت دست کم هزار ساله) و قدیم ها از جاده مشهد به فردوسی، کمی بعد از کارخانه قند آبکوه جاده ای خاکی جدا می شد و به آن آبادی در کنار کشف رود می رفت؛ لذا به جاده خین عرب مشهور شده بود. بعدها که مشهد از هر طرف دست و پایش را دراز کرد و روستاهای کهن و تازه اطراف خودش را بلعید (مثل تقی آباد، اللندشت، احمدآباد، آبکوه، سرده، سعیدآباد و...) این خین عرب، خدابامراز و جاده اش هم ضمیمه شهر مشهد و محل تجمع چوپرها و انبارهای چوب شد و در پی آن هم آتش سوزی های مکرر اتفاق افتاد که مردم مشهد



مهدی سیدی
خراسان پژوه

بعد هم این سؤال به ذهنم آمد که همین سؤال را درباره «باغ خونی» مشهد هم می شود از مردم پرسید که «خونی» در نام این باغ به چه معناست و چه ارتباطی با «خین» و «خونیک» و «ماخونیک» و «خانیک» های جنوب خراسان دارد؟! این چند سؤال مرا واداشت که در یک جمله بگویم: آهای ملت